

راهکارهای تجار

در رویارویی با سرمایه‌های بیگانه پیش از انقلاب مشروطیت

قسمت دوم

سهیلا ترابی فارسانی*

اشاره: در قسمت اول این مقاله به آشفتگی‌های موجود در جامعه از جمله تهاجم حکام و دولتمردان به حقوق مردم و از دیگر سو نبود امنیت در راهها و همچنین عدم وجود قوانین حمایت‌کننده از تجار ایرانی در دعاوی مالی، تسلط نداشتن حکومت مرکزی بر امور و وابستگی حکومت به قدرتهای بزرگ و در نهایت راهکارهای تجار با تشکیل شرکتهای تجاری - مالی و ایجاد تشکلهای گروهی برای افزایش نقش سیاسی خود و سپس معرفی اولین شرکتهای تجاری - مالی پرداخته شد و در این قسمت پس از پیگیری بحث طی جداولی به نقش سرمایه‌گذاری داخلی در رقابت با سرمایه‌گذاران خارجی در بخش صنعت پرداخته شده است.

۱۱- کمپانی محمودیه

شرکت محمودیه را حاج سیدعلی صاحب و حاجی میرزا ابوالقاسم صاحب، تاجران قزوینی و حاجی میرزا محمدحسن صاحب، تاجر دهمدشتی در سال ۱۸۹۸/۱۳۱۶ با سرمایه ۲۰۰ هزار تومان در اصفهان تأسیس کردند. این شرکت در زمینه تجارت داخلی و خارجی و امور صرافی فعال بود. مدت سهام‌گذاری ۵ سال بود که در پایان هر سال پس از بررسی حسابها سود سهام افراد پرداخت می‌شد.

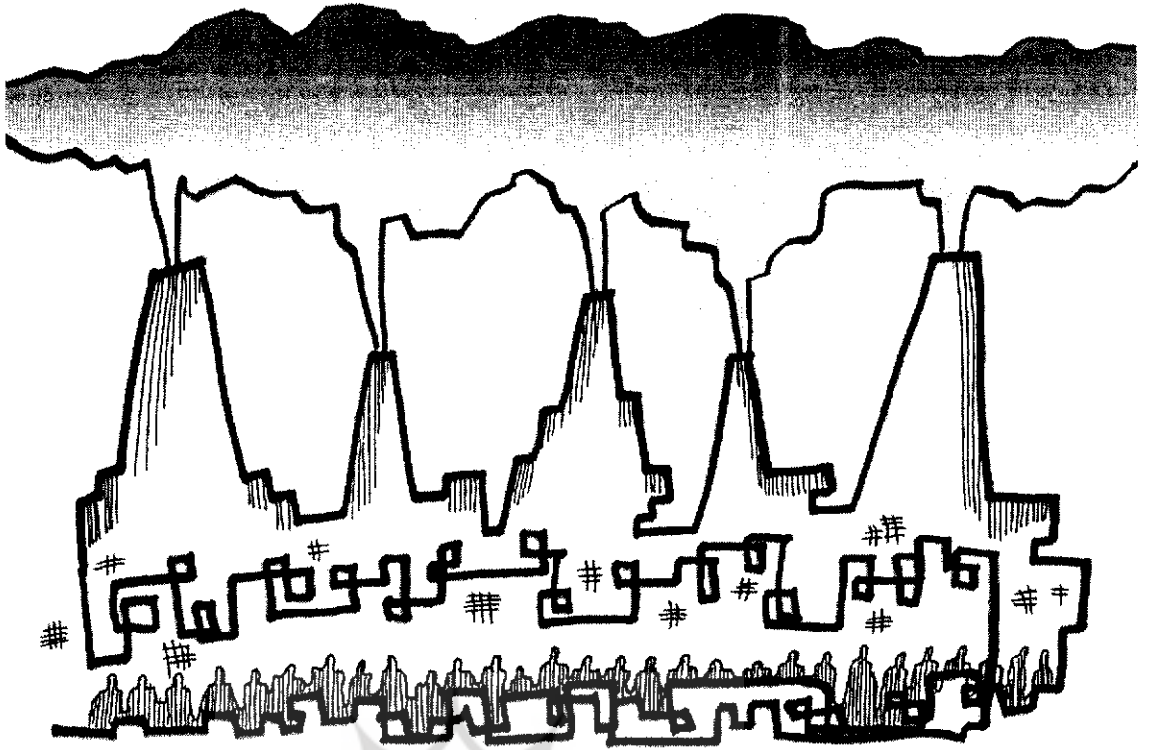
۱۲- کمپانی مسعودیه

شرکت مسعودیه اصفهان در حدود سال ۱۸۹۸/۱۳۱۶ به همت حاج محمدحسین کازرونی و با همکاری حاجی آقامحمد قزوینی، آقا محمدصادق قزوینی صراف، حاج محمدعلی تبریزی، حاجی محمد مهدی سمسار، حاجی محمدصالح عرب در اصفهان تأسیس شد. فعالیتهای این شرکت نیز همچون دیگر شرکتهایی که در این زمان به وجود آمد در زمینه تجارت و صرافی بود.^۲

۱۳- شرکت اسلامی

شرکت اسلامی در ذیقعدۀ ۱۳۱۶ تأسیس شد و ریاست آن با محمدحسین تاجر کازرونی بود.^۳ نمایندگان شرکت حاجی میرزا محمد مشکی تاجر اصفهانی، حاجی

* - دکترای تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- در این مقاله از علایم اختصاری ذیل استفاده شده است:
آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه: (آ.ا.ت)، آرشیو خصوصی امین‌الضرب: (آ.ا.ض) و مرکز اسناد بنیاد مستضعفان: (م.ا.ب)
۱- «اعلان تأسیس کمپانی محمودیه»، روزنامه ثریا، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۷/۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹، ش ۴۸.
۲- احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، زمینه، تهران، ۱۳۵۹، ص ۷۷ و نیز محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان، کاوه، برلین، ۱۳۳۵، ص ۹۸.
۳- حاج محمدحسین کازرونی معروف به حاجی کاکاحسین از تجار معروف اصفهان بود. شرکت مسعودیه و اسلامی و کارخانه بافندگی کازرونی در اصفهان از تأسیسات او است. نگاه کنید به: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، زوار، ۱۳۶۳، چاپ سوم، ص ۳۹۴.



در شیراز وجود ندارد. از منابع موجود به درستی معلوم نیست که چه دستهایی با شروع به کار و فعالیت شرکت مخالفت می‌کرد. آیا در بین تجار گروههایی که از طریق ورود کالاهای غربی به تجارت می‌پرداختند با چنین شرکتی با اهداف تبلیغ و عرضه تولیدات داخلی موافق نبودند؟ یا سرمایه‌های خارجی با همکاری عوامل داخلی مانع پاگرفتن چنین شرکتی بودند. معلوم نیست علت ناموفق بودن شرکت در شیراز چه بود و چرا در اصفهان به فعالیت پرداخت، ولی در شیراز با مخالفت‌های جدی روبه‌رو شد. جای این سؤال است که آیا این مخالفتها در شهرهای دیگر نیز وجود داشته و در

مواردی قدرتمندتر یا ضعیف‌تر عمل کرده است؟

در بوشهر آقا سیدمحمدرضا، تاجر کارزونی وکالت شرکت را به عهده گرفت و افتتاح آن در ماه صفر ۱۳۱۸ بود. دربابگی بوشهر برای تشویق فعالیت‌های شرکت، نخستین محموله آن را یکجا خریداری کرد. اما در بوشهر نیز مانند شیراز دستهایی برای سنگ‌اندازی در کار شرکت آغاز به کار کردند. روزنامه حبل‌المتین به حسادت برخی

محمدجعفر تاجر اصفهانی، حاجی میرزا اسدالله تاجر اصفهانی (نقشینه)، حاجی محمدکاظم تاجر اصفهانی (مقالی) و مدیر شرکت حاجی میرزا علی نقشینه بود.^۱

محل اصلی شرکت در اصفهان بود و شعبه‌هایی نیز در شهرهای تهران، شیراز، بوشهر، مشهد، تبریز و خارج از کشور داشت. نمایندگی شرکت در تهران به عهده میرزا احمد امین‌الصنایع واگذار شد که مردی شاعرپیشه و ادیب بود و نمایندگی جراید را به عهده داشت و به طبع نمی‌توانست کلیه امور نمایندگی را اداره کند ناچار درصدد یافتن افرادی ذی‌صلاح برآمد و برای انجام این منظور حاجی حسین آقا امین‌الضرب و میرزا حبیب‌الله تاجر کاشانی پذیرفتند که در انجام امور شرکت در تهران همکاری کنند.^۲ در شیراز حاج عبدالرحمن صاحب شیرازی مدیر کمپانی فارس وکالت شرکت اسلامی در آن شهر را پذیرفت. به نظر می‌رسد برای افتتاح شعبه شرکت در شیراز مواعی وجود داشته که شرکت به ناچار آقا سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی را برای ایراد سخنرانی و تبلیغ اهداف شرکت اسلامی به شیراز فرستاد و وی سخنرانی‌هایی در مسجد وکیل انجام داد و مردم را به استفاده از کالاهای وطنی و چشم پوشیدن از «امتعه خارجی» ترغیب کرد. شرکت در شیراز توفیق چندانی نیافت و حتی نشانه‌هایی از افتتاح آن نیز در دست نیست چراکه در جراید آن زمان انعکاسی از افتتاح شعبه شرکت

۱- «شرکت اسلامی اصفهان»، روزنامه اطلاع، ۱۴ محرم ۱۳۱۷، ش ۴۷۶، ص ۴.

۲- «شرکت اسلامی»، روزنامه حکمت، اول ربیع‌الثانی ۱۳۱۷/۶ اوت ۱۸۹۹، ش ۸.



سید جمال واعظ اصفهانی

افراد و تلاش برای از بین بردن اعتبار وکیل شرکت اشاره می‌کند و می‌افزاید، سید محمد رضا، تاجر کازرونی شخصی «درستکار و وطن‌شناس» است و به این دلیل که «رجوعات به دیگران کمتر شده بعضی از همکاران در باطن با ایشان عناد ورزیده محرک بعضی مردمان بیکار شده که به اداره روزنامه‌جات خط‌پرانی نموده حقیقت حالات را قسم دیگر جلوه دهند»^۱ در پایان قبل از آرزوی ترقی وطن، خواهان اصلاح فساد اخلاق ملت می‌شود. با آگاهی‌هایی که در روزنامه تریا مطرح می‌گردد مشخص می‌شود که شخصی به نام سید حسن طلبه با طرح ادعاهای واهی در صدد بی‌اعتبار کردن وکیل شرکت اسلامی بر می‌آید.^۲ به هر صورت پیداست که شرکت در بوشهر نیز کاری از پیش نمی‌برد، ولی به نظر می‌رسد تعارضات درونی طبقه تجار همان‌طور که پیش از این اشاره شد مانع تداوم فعالیت‌های شرکت شده است.

همان‌طور که پیش از این بیان شد، روشنفکران از زمره افرادی بودند که با قلم و زبان خود از سمت و سوی سرمایه‌گذارها حمایت می‌کردند. در مورد شرکت اسلامی و فعالیت‌های آن در مشهد نیز چنین است. ادیب‌الممالک فراهانی شاعر، ادیب و سخنور نامدار در مشهد سکونت داشت و روزنامه «ادب» را در آنجا منتشر می‌کرد. وی در روزنامه خود اخبار و مقالاتی در تبلیغ شرکت و خلاصه سخنرانی‌های سید جمال واعظ در شیراز را به چاپ رساند. به رغم تبلیغات بسیار در خصوص بی‌اعتنایی به منسوجات فرنگی، انحطاط تجارت ایران و تشویق و ترغیب صنایع وطنی، با این حال شرکت اسلامی به ایجاد یک نمایندگی در مرکز استان خراسان توفیق نیافت. در مورد فعالیت شرکت در تبریز نیز آگاهی‌هایی در دست نیست. فقط خلاصه‌ای از سخنرانی مجتهد تبریز، حاجی میرزا حسن آقا منتشر شده است که مردم را از استعمال «منسوجات اجانب» بر حذر داشته است.^۳ به هر حال شرکت در تبریز نیز نتوانسته کاری انجام دهد. از دلایل عدم موفقیت شرکت در این شهر که از بزرگترین مراکز تجاری کشور بود، اهمیت آن به لحاظ واردات و صادرات از طریق استانبول به اروپا بود و تجار بزرگی در آن زندگی می‌کردند که واردکننده کالاهای غربی بودند و بدیهی است با فعالیت شرکتی که کالاهای وطنی را تبلیغ می‌کرد نمی‌توانستند موافق باشند. مخالفت و رقابت شرکت‌هایی که در تبریز فعالیت تجارتمندی داشتند و رقابت محمدعلی میرزا با عمویش ظل‌السلطان که از شرکت حمایت می‌کرد نیز احتمالاً در ناکامی‌های شرکت در تبریز مؤثر بوده است.

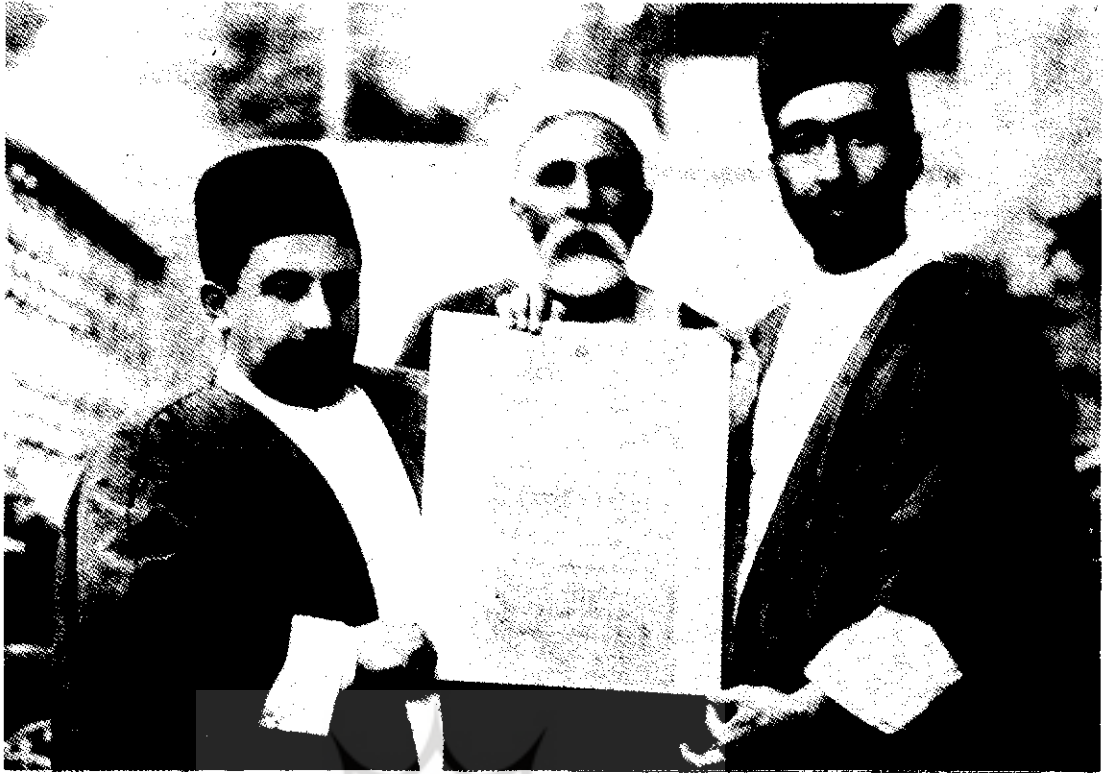
شرکت اسلامی تنها به فعالیت در شهرهای کشور بسنده نکرده و حوزه تبلیغاتی خود را به بیرون از مرزها نیز گشاند. حاج زین‌العابدین تقی‌اف^۴ از سرمایه‌داران بزرگ قفقاز وکالت شرکت را به عهده گرفت و ارفع‌الدوله سفیر ایران در روسیه طی بخشنامه‌های مفصلی به تمام کنسولگری‌های ایران در روسیه و مأموران مقیم آن

۱- روزنامه حبل‌المتین، سال ۷، ۸ ذیحجه ۱۳۱۷، ش ۲۰، ص ۱۳.

۲- روزنامه تریا، شماره ۱۲ و ۱۳، ص ۱۳.

۳- ن. ک. به: حبل‌المتین، سال ۷، ش ۲۱، ص ۱۴.

۴- حاج زین‌العابدین تقی‌اف جوان تهیدست ایرانی بود که برای بافتن کار روانه قفقاز شد. در آنجا با پشتکار و هوش و استعداد خود صاحب امتیاز استخراج نفت از طرف دولت تزاری گردید. وی کارخانه‌هایی تأسیس کرد و در ردیف سرمایه‌داران بزرگ قرار گرفت. مسعودمیرزا ظل‌السلطان که در شعبان ۱۳۲۳ به اروپا مسافرت کرد در بادکوبه مهمان وی بود. ظل‌السلطان سخت تحت تأثیر ثروت و شکوه و جلال زندگی وی قرار گرفت. وی در تاریخ سرگذشت مسعودی شرحی از کارخانه‌ها، کشتی‌ها و عمارات تقی‌اف در بادکوبه داده است. نگاه کنید به: ظل‌السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی همراه با سفرنامه فرنگستان، تهران، بابک، ۱۳۶۲، ص ۲۰-۱۰ (بخش مربوط به سفر فرنگستان).



سه نفر از تجار با عکس فرمان مشروطیت (حاج محمد اسماعیل مغازه‌ای، حاج معین‌التجار بوشهری، حاج حسین آقا امین‌الضرب)

اصفهان در حال گفت‌وگو است؛^۳ -مقابله با احتکار، نجات مردم از گرانی، انتقال کالاهای مورد نیاز به مکانهایی که لازم است؛^۴ -تدارک لباس تمام اهالی ایران، چنانکه علمای اصفهان می‌خواستند مردم را از پوشیدن لباس و منسوجات خارجی منع نمایند، اما رؤسای شرکت استدعا نمودند تا لوازم موجود نشود، اظهار نمایند؛^۵ -این شرکت هر چیزی را که به آن بدهند به قدر کفاف از آن حاضر می‌نماید حتی ماهوت اتریش را ولی آنقدر باشد که بتوانند اسباب نساجی آن را از فرنگستان آورده، برسانند.^۶ بدیهی است شرکت برای موفقیت در انجام امور خود به حمایت قدرتهای سیاسی و مذهبی نیاز داشت. از حامیان مهم شرکت، مسعود میرزا

کشور، آنان را از ایجاد چنین شرکتی آگاه ساخت.^۱ شرکت در روسیه دست به تبلیغ و تلاش بسیار برای بازاریابی زد. شرکت اسلامی به فکر ایجاد نمایندگی در کشور مصر نیز افتاد. آقا میرزا محمدحسین مشکی از طرف شرکت به مصر رفت تا مقدمات ایجاد نمایندگی را در آنجا برقرار کند.^۲ شرکت با همکاری برخی تجار مقیم مصر در ۲۳ رجب ۱۳۱۸ افتتاح شد. تجاری که در آغاز به کار شرکت همکاری کردند حاجی آقا بزرگ، تاجر شیرازی و حاجی محمدعزیز، تاجر هندی و حاجی میرزا علی اکبر، تاجر اصفهانی بودند.^۳ علمای بزرگ نجف از فعالیت شرکت اسلامی استقبال کردند و فتوایی در تأیید شرکت و ترغیب شیعیان در خرید سهام شرکت صادر کردند. در شوال ۱۳۱۸ جلسه‌ای از تجار بغداد تشکیل شد تا در خصوص همکاری با شرکت اسلامی گفت‌وگو کنند. وکلای شرکت در بغداد حاجی میرزا کاظم طباطبایی و حاجی سیدحسین حکاک بودند. با این حال نشانه‌هایی از موفقیت و رونق شرکت در بغداد در دست نیست.^۴

شرکت اسلامی در انجام فعالیتهای خود اهدافی را دنبال می‌کرد^۵ که در گزارشی از روزنامه حکمت چنین تشریح شده است: ۱- این شرکت مطلقاً تجارت امتعه خارجی نخواهد کرد مگر بعضی ادوات کارخانه‌ها؛ ۲- شرکت با حکومت برای احداث راه شوسه قم-

- ۱- روزنامه حیل‌المتین، سال ۷، ذیحجه ۱۳۱۷، ش ۱۸، ص ۱۴.
- ۲- روزنامه ثریا، سال دوم، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸، ش ۳۳.
- ۳- روزنامه پرورش، ۴ شعبان ۱۳۱۸، ش ۲۳، ص ۱۱.
- ۴- روزنامه حیل‌المتین، سال ۷، ذیحجه ۱۳۱۷، ش ۱۸، ص ۲۰.
- ۵- برای آگاهی بیشتر از اصول و اهداف شرکت اسلامی نگاه کنید به: «کتابچه و نظامنامه شرکت اسلامی اصفهان»، روزنامه ثریا، سال اول، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷، ش ۴۹، ص ۱۶-۱۲.
- ۶- «شرکت اسلامی»، روزنامه حکمت، اول ربیع‌الثانی ۱۳۱۷/۶ اوت ۱۸۹۹، ش ۸.

۱۴- شرکت عمومی ایران

در سال ۱۳۱۷/۱۸۹۹ شرکت عمومی با سرمایه‌گذاری ۱۷ تن از تجار معتبر تأسیس شد. نظامنامه شرکت را حاج محمدکاظم ملک‌التجار تهیه کرد و مورد استقبال عموم قرار گرفت. مدیریت شرکت که با سرمایه یک میلیون تومان وارد فعالیت‌های صرافیه شد به عهده حاج سیدمحمد تاجر معروف به صراف بود. فعالیت عمده شرکت، صرافیه بود و در کنار آن به راهسازی نیز پرداخت و در تأسیس راه آستارا به اردبیل اقدام کرد. سوء مدیریت شرکت، آن را بدنام کرد و وضعیت آن در سالهای ۱۳۲۳-۴/۱۹۰۵ رو به وخامت گذارد به طوری که «خلق او را چون امراض مسریه واجب‌الاجتناب می‌شمارند» و نزدیکی به شرکت را مایه خسران و زیان قلمداد می‌کردند و اینکه از «هر کس مطالبات دارد، یک تومان را سه تومان به عطف مطالبه می‌کنند» طی اعتراض‌نامه‌ای که در روزنامه حبل‌المتین به چاپ رسید گروهی از مردم نایب از تجاری که با مهر و تأیید خود در پشت سهام شرکت موجب اعتماد مردم به آن شدند شکایت‌نامه‌ای به چاپ رساندند.^۲

ظل السلطان والی مقتدر اصفهان و رکن‌الملک نایب‌الحکومه شهر بودند. نام و اهداف شرکت و نیاز آن به حمایت روحانیون برای به دست آوردن جلب نظر مردم موجب نزدیکی صاحبان شرکت به روحانیون شد و سه روحانی بزرگ اصفهان، شیخ محمدتقی آفانجفی^۱ و دو برادرش حاج نورالله عمادالاسلام و حاج شیخ محمدعلی ثقة‌الاسلام از افرادی بودند که از شرکت حمایت کردند. آفانجفی حمایت‌های کلی می‌کرد، ولی ثقة‌الاسلام همواره مراقب بود و مرجعی برای حل مشکلات شرکت به شمار می‌رفت. علاوه بر این، تعداد زیادی از مجتهدان فعالیت شرکت را تأیید کردند و فتواهایی در این خصوص صادر نمودند.^۲ با همه حمایتها و تأییدهای صاحبان قدرت، شرکت اسلامی از توفیق چندانی بهره‌مند نشد و فعالیت آن تداوم چندانی نیافت. علل شکست شرکت را به طور مختصر در چند مورد می‌توان بیان کرد: عدم همراهی دولت در عمل، در برخی از اسناد شواهدی دیده می‌شود حاکی از اینکه دولتمردان دربار مظفری به سخن شرکت را تأیید کرده‌اند، اما در عمل حاضر به همیاری نشده‌اند. در بین این اسناد نامه‌ای وجود دارد که مدیر شرکت از صدراعظم خواسته که لباس ارتشیان را از منسوجات شرکت خریداری کنند تا موجبات تقویت شرکت شود، ولی مظفرالدین شاه در ذیل نامه نوشته است: «ضرر ندارد اما مشکل است آنها بتوانند از عهده برآیند».^۳

این امر حاکی از عدم اعتماد دولت نسبت به انجام امور شرکت و عدم همکاری با آن بود که تداوم کار شرکت را با دشواری مواجه می‌ساخت. مورد دیگر نامرتب بودن پرداخت و جوه سهام بود به این ترتیب که بعضی از خریداران، سهام خریده ولی پرداخت و جوه آن را موقوف به بعد می‌کردند یا برخی سهامداران از خرید پشیمان شده و بهای آن را طلب می‌کردند. منظم نبودن پرداخت سود سهام نیز موجب شکایت سهامداران و متوسل شدن به افراد صاحب‌نفوذ برای گرفتن سود یا پس دادن سهام می‌شد. نمایندگان شرکت در شهرستانها درآمد فروش کالاهای شرکت را بموقع ارسال نمی‌کردند و این امر نیز به بی‌نظمی امور مالی شرکت می‌افزود. وجود کمپانی‌های رقیب و تعارضات درونی طبقه تجار، به طوری که فعالیت برخی از تجار واردکننده کالاهای خارجی با عملکرد شرکت در تعارض بود. حضور و رقابت فعال سرمایه‌های خارجی، نبودن افرادی آگاه و مطلع از علوم و فنون صنعت نساجی و تقلب در کار شرکت، از عوامل عدم موفقیت شرکت محسوب می‌شود.

۱- شیخ محمدتقی معروف به آفانجفی فرزند حاج شیخ محمدباقر ایوانکیفی (ایوانکی) و جدش محمدتقی از علمای بزرگ و متنفذ اصفهان بودند و چون در محله مسجدشاه منزل داشتند و در همان مسجد نماز می‌گزاردند و تدریس می‌کردند معروف به مسجدشاهی‌ها بودند. وی در سال ۱۲۶۲ هجری متولد و در شعبان ۱۳۳۲ درگذشت (نگاه کنید به: بامداد، رجال، ج ۳، ص ۳۲۶).

۲- علمای بزرگی که در حمایت از شرکت اسلامی مبادرت به صدور فتوا کردند عبارت بودند از:

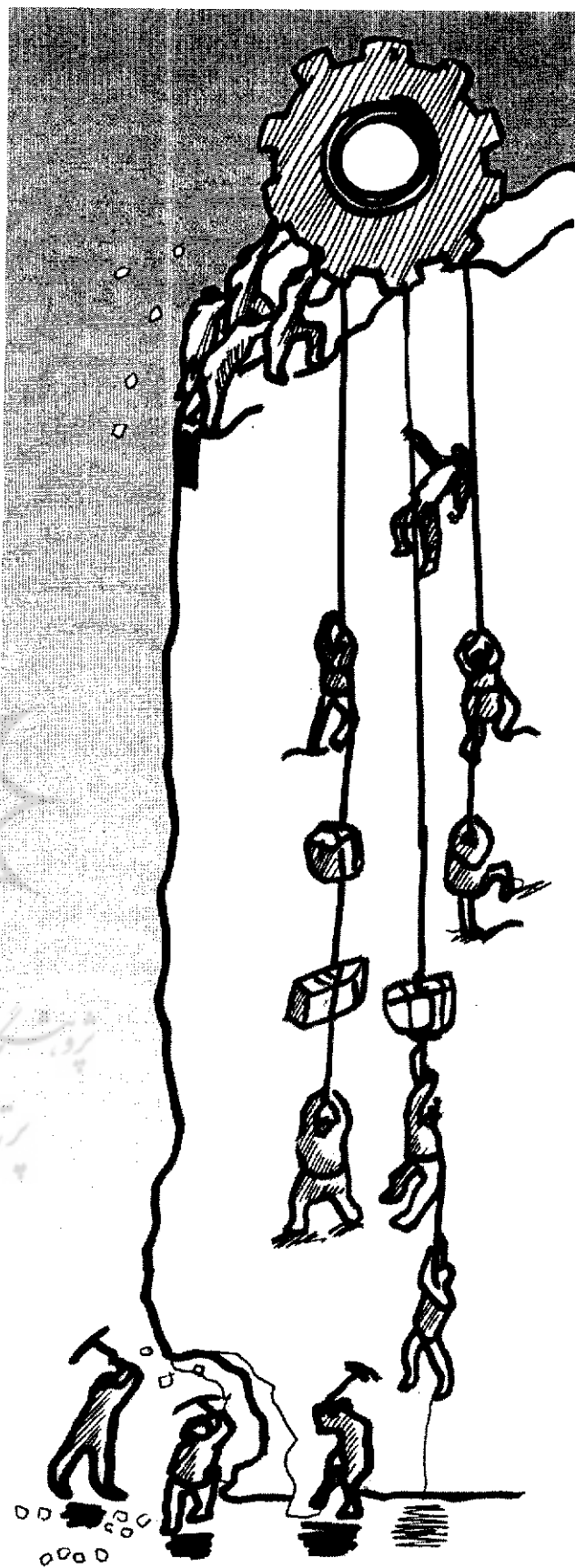
سید اسماعیل صدر، حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل، آفاسید محمدکاظم یزدی، آقای شریانی، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، آقای ممقانی، حاج میرزا حسین نوری، میرزا فتح‌الله شیرازی. برای آگاهی از متن فتواهای این علما نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۷، ش ۲۱، ص ۱۴؛ همچنین برای توجیحات شرعی در مورد شرکت اسلامی نگاه کنید به: سیدجمال واعظ اصفهانی، لباس التقوی، به کوشش هما رضوانی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۱۵ به بعد.

۳- تلگراف ادب‌التجار مدیر شرکت اسلامی به اتابک اعظم، روزنامه ادب، ۵ شوال ۱۳۱۸، سال اول، ش ۱۸، ص ۱۳۹.

۴- محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان، کاوه، برلین، ۱۳۳۵، ص ۹۸-۹۹، اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، ص ۷۶-۷۷؛ در مورد اعتراض و شکایت از شرکت نگاه کنید به:

ب) سرمایه‌گذاری در صنایع و مقاطعه‌راهها

از دیگر راهیابی‌های تجار در به کار انداختن مازاد سرمایه، سرمایه‌گذاری در بخش صنایع بود. هر چند وجود کارگاههای صنعتی و صنایع دستی در ایران قدمت بسیار داشت و شهرهایی چون کاشان، یزد، مشهد، اصفهان و شهرهای دیگر کشور در زمینه گلابتون‌دوزی، ابریشم‌بافی، شال‌بافی، شعربافی، پارچه‌های پنبه‌ای و چلواربافی، شمعی، شیشه‌گری، صنعت آهن و فولاد، شمشیر و چاقوسازی و دیگر «صنایع قدیمه» فعال بودند، در دهه‌های نخست قرن نوزدهم، صنایع کشور، افول و ناامنی دوران پس از صفویه را پشت سر گذاشت و در سایه ثبات و استقرار حاکمیت قاجار به تجدید حیات خود پرداخت، اما تحولات سیاسی این دوران و گسترش روابط تجاری ایران، صنایع بومی کشور را در معرض تهدید و رقابت کالاها و منسوجات غربی قرار داد. صنایع کوچک داخلی قادر به رقابت با کالاهای غربی نبودند و به تدریج از تعداد کارگاههای این صنایع کاسته شد.^۱ افول و نقصان صنایع بومی و عدم موفقیت سرمایه‌گذاری صنعتی جدید دلایل متعددی داشت. مهمترین مسأله، ورود کالاهای غربی بود که از مرغوبیت بهتر و قیمت ارزانتر برخوردار بودند. این عامل خارجی و فعالیت سرمایه‌داران غربی برای تأسیس کارخانه در ایران و استفاده از نیروی کار ارزان و به دست گرفتن بازار کشور، موجب واکنش سرمایه‌دار ایرانی شد. برخی از تجار بزرگ راه جدیدی برای کسب درآمد و الگو برداری از عملکرد سرمایه‌داری غربی یافتند و خود به تأسیس کارخانه مبادرت کردند. اما غافل از اینکه حرکت به سوی



حبل‌المتین، سال ۱۳، ۵ ذیقعدة ۱۳۲۳ / اول ژوئن ۱۹۰۶،
ش ۱۹، ص ۲۰-۲۱، همانجا، ۱۲، ۱۳ ذیقعدة سال ۱۳۲۳ / ۸
ژوئن ۱۹۰۶، ش ۲۰، ص ۶-۷.

۱- منابع این دوران به کاهش شدید تعداد کارگاهها اشاره دارند. در مشهد ۱۲۰۰ دستگاه ابریشم‌بافی به ۱۵۰ تا ۲۰۰ دستگاه تقلیل یافت. تعداد ۱۸۰۰ دستگاه ابریشم‌بافی یزد و ۹ هزار کارگر آن به دلیل ناخوشی کرم ابریشم، جایگزینی کشت تریاک، ورود پارچه‌های ابریشمی، صدور روزافزون پنبه ابریشم و گمرک زیاد روسیه به تدریج غیرفعال شدند و از ۱۴ هزار کارگاه شعربافی کاشان، فقط ۸ کارگاه آن باقی ماند. برای آگاهیهای بیشتر نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، ص ۷۷-۸۱، فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، آگاه، تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۶۱-۲۶۰، چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، گستره، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۱۳-۴۱۲.

سرمایه‌داری صنعتی نیاز به امکانات و تسهیلات اولیه داشت از جمله:

- ۱- دولت متمرکز قوی که موجب امنیت اجتماعی و مالی گردد.
- ۲- راه‌های ارتباطی و نظام حمل و نقل مناسب.
- ۳- مؤسسه‌های مالی و اعتباری و لزوم تأسیس بانک ملی.
- ۴- ایجاد راه‌آهن برای تسهیل در حمل و نقل.
- ۵- قوانین مناسب برای حمایت تولیدات داخلی.
- ۶- افزایش سرمایه از طریق حمایت‌های دولتی یا تأسیس شرکت‌های سهامی.
- ۷- ناکارآمدی نیروهای داخلی به دلیل جدید بودن نوع سرمایه‌گذاری و نداشتن آگاهی‌های کارشناسی و مدیریتی.
- ۸- رشد و توسعه تجارت برای افزایش سرمایه و فروش محصولات تولید شده.
- ۹- حمایت دولت از تولیدات داخلی و ایجاد ممنوعیت در تجارت آزاد با اعمال محدودیتهای گمرکی.
- ۱۰- فرهنگ پویای صنعتی.

دولت قاجار بجز دوره‌های کوتاه صدر اعظم‌های اصلاح‌گرا به ضرورت حمایت دولت از صنایع داخلی در قبال رشد فزاینده سرمایه‌های خارجی آگاهی نیافت. در دوره ولایتعهدی عباس میرزا و وزارت قائم‌مقام تلاش‌های محدودی در راه‌اندازی کارخانه‌های ماشینی و گشایش چاپخانه در ایران به وجود آمد^۱ ولی در همان حال فتحعلی‌شاه ورود کالاهای انگلیسی به کشور را از پرداخت مالیات معاف کرد. بجز در دوران کوتاه صدارت امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار، سیاست اقتصادی دولت قاجار به سمت حمایت و تقویت صنایع داخلی پیش نرفت.^۲ محمدحسن‌خان امین‌الضرب سعی کرد دولت را به سرمایه‌گذاری و حمایت از تولیدات داخلی ترغیب کند، ولی پس از آنکه کوشش‌هایش بی‌نتیجه ماند، خود به طور شخصی عمل کرد و در زمینه صنعت و راه‌سازی دست به اقداماتی زد. سرمایه‌گذاری در استخراج معادن، تأسیس کارخانه ذوب‌آهن و ریخته‌گری در مازندران و تصمیم به احداث راه‌آهن برای کاهش هزینه حمل و نقل از اقدامات وی بود. مهمترین مانع احداث کارخانه، هزینه گزاف حمل آهن از کارخانه به آمل یا دریا بود چرا که هزینه انتقال با حیوانات باربر گرانتر از تولید بود و سرعت انتقال آن نیز بسیار کند بود.^۳ علاوه بر این حاج امین‌الضرب کارخانه ابریشم‌تایی رشت را به راه انداخت و برای این منظور از چند تن از مهندسان فرانسوی کمک گرفت. وی همچنین در زمینه احداث خط آهن توانست امتیاز راه‌آهن محمودآباد - آمل را از

ناصرالدین شاه بگیرد تا بعد از احداث کارخانه ذوب‌آهن در محمودآباد امکان انتقال سریع تولیدات برای صدور از کشور فراهم گردد و در این مسیر از کارشناسان بلژیکی کمک گرفت ولی به دلیل اختلاف با بلژیکی‌ها آنها را مرخص و از افراد ایرانی استفاده کرد. ولی کار به صورت ناقص و ناشیانه انجام شد و کار راه‌آهن متوقف گردید و در این طرح او سرمایه زیادی را از دست داد. امین‌الضرب قصد داشت انحصار تجارت پایتخت به دریای خزر را به دست گیرد و بدین منظور در تهران به ایجاد کارخانه‌هایی از جمله بلورسازی مبادرت نمود و مرمت و ایجاد راه‌های شوسه فیروزکوه، آمل و خط آهن تهران- شمال را نیز از اهداف خود قرار داد. فعالیت‌های وی در ایالاتی که همواره تحت نفوذ اقتصادی روس‌ها بود با منافع این کشور در تضاد افتاد و کارخانه وی با دسایس روس‌ها تعطیل شد.^۴ بجز امین‌الضرب تجار دیگری نیز در جهت ایجاد و توسعه صنایع و کسب امتیاز از دولت به فعالیت پرداختند. با این همه تأسیس کارخانه در ایران منحصر به سرمایه‌داران ایرانی نبود، کشورهای اروپایی نیز بازار ایران را زمینه بگری برای سرمایه‌گذاری دیدند. نمونه‌هایی از این تلاش‌ها و رقابتها در دو جدول جداگانه مشخص شده است:^۵

- ۱- نگاه کنید به عبدالرزاق دنبلی، *مآثر السلطانیة*، به کوشش غلامحسین صدری‌افشاری، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۱، چاپ دوم، ص ۱۴۵-۱۴۱؛ رابرت گرانٹ واتسن، *تاریخ ایران دوره قاجاریه*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶، چاپ چهارم، ص ۱۲۴.
- ۲- برای آگاهی از اقدامات اصلاح‌گرانه امیرکبیر و سپهسالار در تقویت صنایع بومی از جمله شال‌های کشمیر و شال‌های پشمی، سفارش لباس نظامیان از پارچه‌های وطنی و ایجاد کارخانه‌های ریسمن‌بافی، چلواربافی در تهران، حریربافی در کاشان و شکرریزی در ساری و بارفروش و بلورسازی و چینی‌سازی در قم و تهران، همچنین صنایع سماورسازی و کالسکه‌سازی و تقویت صنعت ابریشم‌تایی در مقابله با هجوم کالاهای فرنگی، نگاه کنید به: فریدون آدمیت، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۶، ص ۲۹۹-۲۹۸؛ *اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ*، به کوشش محمدمشیری، تهران، روزبهان، ۱۳۵۷، چاپ دوم، ص ۳۸۰، عیسوی، *تاریخ اقتصادی*، ص ۴۵۸-۴۵۲؛ فریدون آدمیت، *امیرکبیر و ایران*، خوارزمی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۳۹۶-۳۹۱.
- 3- Mahdavi, Amin-Alzarb, p: 177-179. 4- Ibid.
- ۵- آگاهی‌های مربوط به جدول‌های شماره ۱ و ۲ از منابع ذیل به دست آمده است: اشرف، *موانع تاریخی*، ص ۶۵-۶۰ و ۹۹؛ جمالزاده، *گنج شایگان*، ص ۹۷-۹۳.



روشنفکران از زمره افرادی بودند که با قلم و زبان خود از سمت و سوی سرمایه‌گذاری‌ها حمایت می‌کردند. ادیب‌الممالک فراهانی شاعر، ادیب و سخنور نامدار در مشهد سکونت داشت و روزنامه «ادب» را در آنجا منتشر می‌کرد. وی در روزنامه خود اخبار و مقالاتی در تبلیغ شرکت اسلامیة و خلاصه سخنرانیهای سیدجمال واعظ در شیراز را به چاپ رساند.

این جدولها نشان‌دهنده حضور و فعالیت سرمایه‌داران ایرانی در بخش صنعت و رقابت با سرمایه‌داران خارجی است. اما توسعه صنایع با موانعی مواجه شد. حضور دو قدرت بزرگ سیاسی در ایران مانع فعالیت دیگر کشورها از جمله آلمان، بلژیک و فرانسه شد. انگلستان طی این سالها بیشتر به امور تجاری و بانکی علاقه داشت و فقط در اواخر دوران قاجار با سرمایه‌گذاری در صنعت نفت وارد فعالیتهای صنعتی گردید، اما سرمایه‌داران روسی همان‌طور که در جداول مشخص شده است در فعالیتهای صنعتی مشارکت داشتند. تجار ایرانی در رقابت با سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاری در شاخه‌های جدید صنعتی و گسترش تجارت خارجی گرایش و توان خود را به کار گرفتند و حتی به روشهای جدید تجاری که مشارکت را در امر سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکتهای سهامی بود، مبادرت کردند، ولی از سرمایه، آگاهی و توان کمتری برخوردار بودند و از حمایتهای لازم دولتی نیز محروم بودند. با وجود سرمایه‌گذاری در شاخه‌های جدید، از آنجا که سیاست کلی حاکم بر جامعه و دولت هماهنگی لازم را با این حرکت نداشت این اقدام همچون زاید‌های نامناسب با دیگر اجزا دوام چندانی نیافت. فقط کارخانه‌هایی همچون پنبه پاک‌کنی که به آماده‌سازی محصولات کشاورزی مرتبط بود، دوام و توسعه یافت، ولی کارخانه‌های نساجی و قندسازی که با مصنوعات خارجی رقابت داشت قادر به ادامه فعالیت نشدند.

تسهیل حمل و نقل از نیازهای اساسی تجار بود. از عوامل رکود سرمایه، گرانی و کمبود کالا، قحطی، عدم رشد تجارت و صنعت، می‌توان از مشکلات حمل و نقل در راههای نامناسب، ناامنی، عوارض راهداری، پراکندگی جمعیت، طولانی بودن سفرها، فساد کالاها و حمله راهزنها نام برد. بهبود راههای انتقالی و حمل و نقل کالا از مهمترین مسائل تجار در این زمان بود. گاهی تجار از بی‌تفاوتی دولت به تنگ آمده و خود به احداث و تعمیر راههای شوسه و آرایه‌رو اقدام می‌کردند. به پیشنهاد میرزا یوسف مستشارالدوله، مجلسی از تجار،

علما و اعیان تشکیل شد تا با تشکیل شرکت سهامی در ایجاد راه جلفا- آستارا مشارکت کنند. ملک‌التجار و رئیس‌التجار، تجار اصفهانی مقیم تبریز، تجار ارمینی و پنجاه و سه نفر از تجار، علما و معارف شهر سهم خریدند. میرزا جواد مجتهد در این امر همکاری بسیار کرد و خود نیز سهام‌دار شد. مستشارالدوله طرح راه آرابه‌رو اواجق به قزوین برای انتقال راه تجارت عثمانی به تبریز و قزوین را پیشنهاد داد و طرح راه آهن تهران - عبدالعظیم - قم و مشهد - تهران را مطرح کرد. وی تلاش بسیار برای جلب همکاری روحانیون و تجار بزرگ کرد و این امر را «خلاصی از قحط و غلا»، «سهولت زیارت اماکن مقدسه» و اسباب رونق «زراعت و فلاحت و صناعت» عنوان کرد.^۱

ملک‌التجار مشهد، مقطعه ایجاد جاده عشق آباد - قوچان را پذیرفت و تعهد کرد جاده، مسافرخانه و چاه آب در طول یک‌سال ساخته شود. اخذ باج در سراسر جاده به عهده وی گذاشته شد.^۲ در سال ۱۳۰۶ ه.ق/ ۱۸۸۸م کمپانی راه آذربایجان به منظور توسعه راههای منطقه از تبعه داخلی و خارجی تشکیل شد، ولی در ساختن راه تبریز به قزوین ناموفق بود و امتیاز خود را در ۱۳۱۹/۱۹۰۱ به بانک استقراضی واگذار کرد. تأسیس راه رشت به قزوین را یک کمپانی روسی - ایرانی به عهده گرفت.^۳ تجار بر ضرورت و اهمیت وجود راهسازی و خط آهن واقف بودند هر چند در این امر از حمایتهای دولتی برخوردار نشدند، اما مشارکت آنها در این امر حاکی از تفکر جدید اقتصادی و درک هوشیارانه آنها از روند تحولات اقتصادی جدید بود.

۱- فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳۳۰-۳۲۶.
 ۲- جرج ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۴۲-۱۴۳.
 ۳- ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، اقبال، تهران، ۱۳۳۲، ص ۳۵۴-۳۵۲.



جدول ۱- تلاش سرمایه‌داری داخلی در بخش صنعت

نوع کارخانه	سرمایه‌گذاری	سال (قمری / میلادی)	محل کارخانه	توضیحات
ریسمان‌ریسی	ناصرالملک	۱۲۷۵	تهران	از مسکو خریداری شد و بعد از مدتی کار کردن تعطیل شد و به فروش رسید.
تفنگ‌سازی	-	۱۲۷۶	تهران	در ماه هزار قبضه تفنگ می‌ساخت.
کاغذسازی	-	-	تهران	-
شکرریزی	-	-	مازندران	-
چلواربافی	-	-	تهران	-
بلورسازی	-	۱۲۸۵	تهران	با همکاری بلژیکی‌ها تولید مرغوب داشت، ولی به دلیل کمبود مواد اولیه تعطیل شد.
بلورسازی	حاج محمدحسن امین‌الضرب	۱۳۰۵	تهران	بعد از مدتی تعطیل شد.
چینی‌سازی	حاج محمدحسن امین‌الضرب	-	تهران	به واسطهٔ دسایس روس‌ها تعطیل شد.
چینی‌سازی	حاج عباسعلی و حاجی رضا	-	تبریز	به واسطهٔ دسایس روس‌ها تعطیل شد.
شمع‌ریزی	-	-	تهران	-
کاغذسازی	-	-	اصفهان و تهران	-
نساجی اقمشهٔ کتانی	-	-	اصفهان	نیروهای نظامی ظل‌السلطان از پارچه‌های این کارخانه استفاده می‌کردند.
ابریشم‌تایی	حاج محمدحسن امین‌الضرب	-	گیلان	وسایل کارخانه از فرانسه خریداری شد و از بزرگترین کارخانه‌های آن زمان بود.
ابریشم‌تایی	آقا محمدحسن رشتی و همکاری مالی روس‌ها	-	رشت	به ملاحظات سیاسی و سوء اداره، چندی بعد تعطیل شد.
باروت‌کوبی و چاشنی‌سازی	دولتی	۱۲۷۸	-	-
چراغ‌گاز	میرزا حسن‌خان قزوینی (سپهسالار)	۱۲۹۷	تهران	به دلیل نبودن زغال تعطیل شد. بعد از مدتی یک ایرانی آن را خرید و به یک کمپانی بلژیکی فروخت ولی بلژیکی‌ها هم موفق نشدند و کارخانه بسته شد.
ریسمان‌ریسی	حاج رحیم‌آقا قزوینی	۱۳۲۶	تبریز	-
پنبه‌کاری	حاج میرزاعلیمحمد اصفهانی	-	سبزوار و نیشابور	-
چراغ‌برق	حاج حسین‌آقا امین‌الضرب	۱۳۲۳	تهران	از آلمان خریداری شد و در سال ۱۳۲۵ شروع به کار کرد.

نوع کارخانه	سرمایه گذاری	سال (قمری / میلادی)	محل کارخانه	توضیحات
چراغ برق	حاج محمدباقر میلانی (رضایوف) از طرف مظفرالدین شاه	۱۳۲۰	مشهد	از روسیه خریداری شد برای روشنایی حرم حضرت رضا و خیابان مجاور آن.
چراغ برق	قاسم خان امیرتومان پسر عالی خان والی	-	رشت و تبریز	-
آجرپزی	حسین آقا امین الضرب	-	تهران	پس از مدتی بسته شد.
چلواریانی	-	-	تهران	-
صابون پزی	ربیع زاده و شرکا	۱۳۲۸	تهران	صابون اعلا تولید می کردند.
آبجوسازی	-	۱۳۲۸	تهران	-
ریسندگی	مرتضی قلیخان صنیع الدوله	۱۸۹۴/۱۳۱۲	-	در ابتدا محصول آن بسیار اعلا بود ولی در رقابت با تولیدکنندگان خارجی که با کاهش موقت بهای کالا به میدان آمدند نتوانست دوام بیاورد و از میان رفت و بسته شد.

جدول ۲- سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت در اواخر قاجار

نوع کارخانه	محل کارخانه	تعداد	تابعیت	تعداد کارگران
قندسازی	کهریزک	۱	بلژیکی	۳۰۰
قالیبانی	تبریز	۱	آلمانی	۱۰۰
کیریت سازی	تهران	۱	روسی	۵۰
تأسیسات نفتی	انزلی - آستارا	۵	روسی	۱۷۰
پنبه پاک کنی	مازندران - خراسان	۱۷	روسی	۲۷۲
ساختمانی	آذربایجان	۱	روسی	۳۰
ابریشم تابی	برکاده	۱	روسی	۲۰
مونتاز	تبریز	۱	آلمانی	۲۰
برق	انزلی	۲	روسی	۳۰
آجرپزی	ارومیه	۱	آلمانی	۲۰
روغن گیری	رودبار	۱	روسی	۲۰
تنباکو	مشهد	۱	روسی	۲۰
الکل سازی	ارومیه	۱	روسی	۱۵
یخ سازی خوشتاریا	انزلی	۱	روسی	۱۰
آسیای بخار	قزوین - ارومیه	۲	روسی - آلمانی	۲۰
چوب بری	گیلان - ارومیه	۳	روسی - آلمانی	۴۰
فشنگ سازی	اصفهان	۱	آلمانی	۱۵

جدول ۳- سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت

نوع کارخانه	سال (قمری/میلادی)	تابعیت	محل کارخانه	توضیحات
روغن زیتون	۱۸۹۶/۱۳۱۳	روسی	رودبار	دو تاجر یونانی تابع روسیه امتیاز آن را گرفته و ماشین‌آلات از انگلستان خریداری شد. محصولات به روسیه صادر می‌شد. با افزایش عوارض گمرک روسیه، کارخانه قادر به ادامه کار نشد و تعطیل گردید.
کبریت‌سازی	۱۸۹۱/۱۳۰۸	روسی	خلازیر	به تشویق امین‌الدوله در نزدیکی ملک وی تأسیس شد. به علت کمبود چوب و نداشتن توان رقابت با کبریت اتریش و سوئد بسته شد.
قندسازی	۱۸۹۶/۱۳۱۳	بلژیکی	تهران	به تشویق امین‌الدوله به چغندرکاری در املاک وی در کهریزک پرداخت و کارخانه در همان‌جا تأسیس شد. به علت نوباً بودن کارخانه قادر به رقابت با قند روسیه نبود. روس‌ها که صادرکننده عمده قند به ایالات شمالی بودند، به‌طور موقت قیمت قند را ارزان کردند. کمبود چغندر نیز علت دیگر تعطیل شدن کارخانه بود.
پنبه پاک‌کنی	۱۹۰۲/۱۳۲۰	روسی	بارفروش، ساری، بهشهر، بندرگز، آمل	این کارخانه‌ها که تعداد آنها بسیار بود به‌طور کلی در اختیار سرمایه‌داران غیرایرانی بود و علاوه بر سودی که از خرید پنبه ارزان و نیروی کار ارزان به‌دست می‌آوردند از تقلب در وزن کردن نیز مبالغه سود به‌دست می‌آوردند. کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی بیشتری در سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۳/۱۹۰۶-۱۹۰۵ تأسیس شد.
چوب بری	۱۸۸۹/۱۳۰۷	روسی	گیلان مازندران	امتیاز انحصاری قطع و صدور سالانه صد هزار درخت شمشاد و سرو از جنگلهای شمال کشور را به‌دست آوردند. در سال ۱۳۳۰ هجری شرکت صنایع چوب ایران و روس تشکیل شد. تأسیس کارخانه برق و راه آهن رشت - پیربازار از تأسیسات آن بود.
ابریشم‌تابی	۱۸۸۳/۱۳۰۱	روسی	رشت	به همت آقامحمد رشتی و با سرمایه روسی تأسیس شد و پس از مدتی به دلیل ملاحظات سیاسی و سوء مدیریت تعطیل گردید.
بلورسازی	۱۸۹۱/۱۳۰۹	بلژیکی	-	پس از مدتی تعطیل شد.
دخانیات	۱۹۰۰/۱۳۱۸	روسی	مشهد	-
آسیای بخار	۱۹۱۳/۱۳۳۱	روسی	قزوین	-
کارگاههای صنعتی	۱۹۱۳-۱۹۱۶	روسی	خراسان	اتباع روسیه چندین مؤسسه صنعتی در شهرهای مختلف خراسان از جمله نیشابور تأسیس کردند.
مشروبات الکلی	۱۹۱۴/۱۳۳۲	روسی	ارومیه	-